

عنوان درس

مد و قصر ۱

ویژه نوجوان ۲ (دبیرستان)

صالحین استان زنجان
www.SalehinZn.ir



مدّ و قصر

مدّ در لغت به معنای زیادت و کشش است و در اصطلاح امتداد صوت در حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی است.

مدّ نیز یکی دیگر از علائم قرآنی است و دارای شکل و اسم است، شکل آن عبارت است از «~» که از کلمه (مدّ) گرفته شده که قسمت زیرین میم و طرف بالای دال را برای اختصار حذف کرده اند (مد ← ~) و اسم آن عبارتست از مدّ.

هر گاه بعد از حروف مدّی (حرکات کشیده، الف مدّی، یاء مدّی، واو مدّی) حرف ساکن یا مشدّد و یا همزه قرار گیرد حروف مدّی را باید بیش از حالت طبیعی (که ۲ ضربه بود) کشش داد.

پس هر گاه روی حروف مدّی یا حرکات کشیده علامت مدّ را مشاهده کردیم هنگام قرائت آنها بیشتر از اندازه طبیعی آنها را می کشیم مانند: جَاءَ، جِیَّءَ، سُوءَ، ضَالِّینَ، فِیْ أَنْفُسِهِمْ، لِقَاءَ

قصر در لغت به معنای کوتاه و در اصطلاح به معنای ادای حروف مدّی به اندازه طبیعی و معمولی آن (که ۲ ضربه) است می باشد.

سبب مدّ

سبب مدّ عبارت است از (همزه و سکون) تشدید هم به خاطر آن یک حرف ساکن در آن نهفته است، سبب مدّ به حساب می آید.

اگر حروف مدّی (الف مدّی، یاء مدّی، واو مدّی) بدون سبب مدّ باشد یعنی بعد از حروف مدّی همزه یا سکون نباشد «مدّ ذاتی» نام دارد و به میزان دو ضربه کشیده می شوند مانند: اُتُونِی - اُذِیْنَا - نُوحِیْهَا

کشش صوت در حروف مدّی به میزان دو ضربه «قصر» و سه ضربه را «فوق قصر» و چهار ضربه را «توسط» و پنج ضربه را «فوق توسط» و شش ضربه را «طول» می نامند. مقدار مدّ از دو ضربه کمتر و از شش ضربه بیشتر نیست.

انواع مد

مدی که سبب آن همزه باشد بر دو قسم است: مد متصل و مد منفصل

مدی که سبب آن سکون باشد آن نیز بر دو قسم است: مد لازم و مد عارض

مد متصل: آن است که حرف مد و همزه در یک کلمه باشد و مقدار مد آن از چهار تا شش حرکت (ضربه) می باشد مانند:

يَشَاءُ، سَيِّئٌ، سُوءٌ

مد منفصل: آن است که حرف مد در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه ی بعد قرار گیرد و مقدار آن از دو تا پنج حرکت (ضربه) می باشد مانند:

رَبَّنَا اِنَّكَ، وَهَزِيْ اِلَيْكَ، تُفْسِطُوا اِلَيْهِمْ

تذکر:

۱- در مد منفصل اگر روی کلمه اول، وقف گردد حرف مد به دلیل نداشتن سبب مد، به مقدار طبیعی «قصر» ادا می شود.

۲- در صورتی که حرف مد بر اثر «اشباع هاء ضمیر» تولید شود و بعد از آن همزه باشد در حکم مد منفصل بوده و به آن «مد اشباع» نیز می گویند، مانند: مَالَهُ اَخْلَدَهُ، اِسْمُهُ اَحْمَدُ، مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا

